

## نفرت انگیزی که زنده‌اند به یک مشت دروغ

ناصر امین‌نژاد

رئیس دولت اسلامی ایران همچنان پیگیر سفرهای استانی و سفره‌اندازیهای نان و پنیری اغواگرانه شهرستانی می‌باشد. این اواخر دفتر نوزدهمین سفر استانی خود به آذربایجان غربی را بست و بساط این شعبده و نیرنگ را در شهرستانهای استان تهران یکی پس از دیگری پهن نمود. به "میمنت و مبارکی" قرار است بزودی رکابزنی را از سر بگیرد، که گویا کردستان نخستین اتراق‌گاه راه دورش خواهد بود.

همه دولتمردان، استانداران و دیگر دست‌اندرکاران ریز و درشت و ریزه‌خواران ثناگوی مطبوعاتی و دستگاههای تبلیغاتی در ضمن این سفرهای نمایشی و جنجالی سخت در تکاپوی دمیدن در بوق و کرنای کرامات این "نوبر الهی و" برگزیده امام زمان "هستند که گویا از سر قدوم مبارکش نان و آرامش و آسودگی نثار مردم می‌گردد!! سفره‌ها رنگین، شهرها آباد و مردمان دلشاد خواهند شد!! در این کارزار مضمئنکننده همه عوامل رژیم، جملگی گردهم آمده‌اند تا تمام توان عوامفریبی، همه ذکاوت فریبکارانه، کینه توزی و تجارب قساوت پیشگی خود در طی همه سالهای خودکامگی و استبداد اسلامی را درهم بیامیزند، تا نمایش تبلیغاتی گیج‌کننده‌ای را برای پریشان‌کردن خاطر مردم رنج‌دیده و زحمتکش فراهم آورند.

احمدی‌نژاد سردسته و پیشقراول این فریبکاری همچنان در گشت و گذار است، شعارهای پوچ و عبارات پوپولیستی بی محتوا را سرهم بندی میکند، هذیان می‌گوید و یاوه می‌یافت. از مهرورزی خود و دولتش می‌گوید، عربده حق مسلم انرژی اتمی را سر میدهد، زبان به تهدید و سرکوب مردم حق طلب می‌گشاید، فیل مناظره خود با بوش را هوا میکند، شایدانه از نابودی اسرائیل و مبارزه با آمریکا و استکبار داد سخن می‌گوید و "چون به خلوت میرود آن کار دیگر میکند. خطابه‌های اندرزگونه پیامبرانه و دعوت مردم به خاکساری را راه می‌اندازد. یک روز خیالبافانه خود را "رابین هود" اسلامی می‌بیند که پول نفت را از حلقوم مافیای ثروت و قدرت بیرون میکشد و در سفره مردم بینوا می‌اندازد!! روزی دیگر هذیان‌گونه از هاله نوری می‌گوید که دور سرش را گرفته است و دستش به از ما بهتران بند است و مردم را حواله چاههای جمکران میکند تا مشکلاتشان را طی نامه‌های دو قبضه‌ای به امام زمان رجوع دهند. او زمین و زمان را بهم میدوزد، بی مهابا روز روشن دروغ می‌گوید، تا واقعیت‌های تلخ و دهشتناک اقتصادی و گسترش فقر عمومی و فساد روزافزون را لاپوشانی کند که از سر دولت منحوس و غارتگر اسلامیش گریبان جامعه را سخت گرفته است.

بیش از یک سال از روی کارآمدن این دولت "منصور" و "منسوب امام زمانی" با آن وعده‌های آسمانی و آبدار می‌گذرد، که قرار بود پول نفت را سر سفره مردم بیاورد، با مفسد اجتماعی بجنگد، ریشه‌های رانتخواری، پارتی بازی و ارتشا را بخشکاند و عدالت محوری و مهرورزی را پیشه کند!! او در این خیمه شب بازی سفرهای استانی از همه چیز می‌گوید و می‌یافت، پای بر زمین می‌کوبد، کف بر لب مینشاند، رگهای گردن به حجت قوی میکند، تا صحبتی از گرانیهای سرسام‌آور کنونی و علل آن بمیان نیاورد. از این نمی‌گوید که چرا کارگران اکثر کارگاههای تولیدی میباید ماهها حقوقشان "ملاخور" بشود و کسی هم متعرض نباشد. از گسترش روزافزون و تاریخی فساد اداری و اجتماعی، رشد بی سابقه و مداوم شمار معتادین به مواد مخدر صحبتی نمی‌کند. از ریخت و پاشهای ملیونی و میلیاردی برای ارگانهای سرکوبگر و ریزه‌خواران دولتی نمی‌گوید. نمی‌گوید که خط فقر در جامعه شهری ۳۵۰ هزار تومان است، اما خود ۱۸۵ هزار تومان اعلام کرده‌اند. از رشد روزافزون و بی رویه نرخ بیکاری و تورم نمی‌گوید. آنهم در شرایطی که درآمد نفتی کشور در مناسبترین و بهترین موقعیت خود قرار دارد. از مردم دردمند و

زلزله زده بم و کپرنشینان آن دیار نمیگویند که هنوز پس از گذشت سالها همچنان باید در شرایط بسیار محنت‌باری زندگی بکنند. از پروارشدن سرداران، نورچشمی‌ها و آغازده‌ها و دهها هزار جانورانی از این دست نمیگویند که اختاپوس‌وار بر جان و مال و ثروت دهها میلیون مردم رنجکشیده این جامعه چنگ انداخته‌اند.

این همه جار و جنجال و گردوخاک پاشیدن‌ها را براه انداخته‌اند تا سرپوشی بر سیاستهای ضد مردمی و غیر انسانی خود گذاشته باشند. ریاکارانه از گوش دادن به حرف مردم در دور دست ترین نقاط ایران میگویند!! اما روز روشن کارگران شرکت واحد تهران و خانواده‌های بی پناه و دردمند آنان را توسط چماقداران و نیروهای سرکوبگر خود به سلاخی میکشانند، که ابتدائی ترین خواستهای انسانی و برحق خود را طالب بودند. ریاکارانه از مهرورزی و عدالت جوئی میگویند، اما بدون ذره‌ای شرم هزاران کارگر بجان آمده واحدهای صنعتی در رامسر، سنندج، بابلسر، قزوین و ... را در برابر دیده همگان بخاک و خون میکشانند، زیرا که خواستار پرداخت حقوق معوقه خود بوده‌اند و نمیخواسته‌اند سفره محقرشان بیش از این در معرض دستبرد غارتگران دولت پناه باشد. شیادانه از آزادی در حکومت اسلامی میگویند اما کوچکترین اجتماع مردم ناراضی و حق طلب را و کمترین ندای آزادیخواهی را بر نمی‌تابند، با چوب و چماق و سرب داغ و با هجوم وحشیانه گزگانیشان آنان را سرکوب میکنند. هزاران هزار انسان مبارز و آزاده را به چوبه‌های دار، به جوخه‌های آتش میسپارند. با ابتدائی‌ترین خواستهای برحق و عادلانه ملی عناد میورزند و همچنان پیگیر سیاستهای شونیستی و ضد انسانی خود هستند. با زنان آن کرده‌اند که در طول تاریخ کم نظیر است. دسته دسته دانشجویان را اخراج میکنند، مورد ضرب و شتم قرار میدهند، در زندانها و سیاهچالها به بند میکشانند زیرا که دیده به افق رهایی از بند خرافات و استبداد قرون وسطائی اسلامی دوخته‌اند.

همه این تمهیدات و تلاشهای مستمر حول این محور میگردد که کسب و کار غارتگرانه خود را تداوم بخشند، ثروت و قدرت خود را افزونتر بنمایند. حال چه باک اگر از حاصل آن دهها میلیون انسان دردمند و زحمتکش را بخاک سیاه بنشانند، چه باک اگر جامعه را به جائی سوق دهند که از هر کوی و برزن آن فقر و فساد و تنگدستی، فحشا و مواد مخدر برخیزد. چه باک اگر هزاران هزار انسان آزاده و حقخواه را با ددمنشی و شقاوت از میان بردارند. چه باک اگر ام‌القراء اسلامی‌اشان قبرستانی باشد از ظلمت و خرافات و جنگلی از بی قانونی و بربریت و وحشیگری. در این میان آنچه مهم است تداوم خودکامگی و ادامه غارتگری و بقا رژیم منحوس اسلامی بهر قیمت است، رژیمی که همچون بختک سیاه بر زندگی مردم سایه انداخته است و جامعه را به سیاهی و تباهی می‌کشد.

دیگر گوش مردم بدهکار این افسانه‌خوانی و این دوز و دغلبازیهای حاکمیت نیست و آنرا جدی نمیگیرند. جمهوری اسلامی در درون جامعه هیچ وقت تا این اندازه با بی اعتنائی عمومی روبرو نبوده است. کارنامه این رژیم سراپا جهل و جنایت و غارتگری سیاهتر از آنست که ژست گرفتند ریاکارانه فقیرنوازانه بتواند پرده‌ای بر دیده‌های بینا بکشاند. چراغ مرده حکومت اسلامی نمیتواند شمع آفتاب واقعیتهای زندگی روزمره توده‌های میلیونی زحمتکش را زیر سایه قرار دهد. این واقعیتها زمختتر و برجسته‌تر از آنند که با لاف و گزاف و دروغ پراکنی حاکمیت اسلامی و رجزخوانیهای احمدی نژاد لاپوشانی شوند.

واقعیت آنست که اکنون جامعه بلاکشیده ایران از "شوکت" این حکومت نوبر اسلامی با بحران فزاینده اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای روبرو است، تورم فزاینده‌ای گریبان جامعه را گرفته است - قیمت کالاهای اساسی بطور سرسام‌آوری افزایش مییابد - ما شاهد بیکار سازی در ابعاد گسترده و پائین آمدن مداوم سطح درآمد عمومی هستیم - روز به روز شمار کارگاههای ورشکسته بعلت واردات بی رویه و رکود تولید افزایش می‌یابد - عدم پرداخت حقوقهای معوقه، پائین آمدن امنیت شغلی، بیکاریهای گسترده و شانه خالی کردن دولت از زیر بار مسئولیت‌هایش، همچنین بازار دلالی و کارچاق‌کنی، رانتخواری، ارتشا

و مشکلات و ناهنجاریهای فزاینده اجتماعی، اعتیاد و فحشا... و در کنار آن نیز سرکوبگریهای وحشیانه و بحران سازیهای مداوم رژیم اسلامی با جامعه جهانی ایران را بسوی يك بحران عمومی کشانده است. قدر مسلم این وضعیت میتواند آبستن خیزشهای اجتماعی عدیده و متناوبی باشد و به غلیان و جنبش همگانی آزادیخواهی بطور عموم و جنبش اجتماعی کارگران و زحمتکشان و لایه‌های زیرین اجتماع بطور اخص را بیش از پیش دامن بزند. ممکن است فشارهای جهانی نیز این روند را تسریع بخشند. در این وضعیت تمام تلاشهای هیستریک تبلیغاتی رژیم اسلامی همراه با شمشیر بستنهای از رو، چهره عوض کردنهای مداوم، ایجاد بحران و بازیهای موش و گربه‌ای و هیجانهای اتمی که بخشی نیز در این دوره‌گردیهای احمدی نژاد خود را نشان میدهد، در این جهت است که جلو آگاهیهای عمومی را بگیرد، خرافات را رواج بدهد تا این بحران را بتواند از سر بگذراند. این وضعیت بضع ادعاهای رژیم هیچ حکایتی از استقرار و ثبات نظام ندارد، بلکه ناشی از تب مرگی است که سراسر ارکان حاکمیت را در بر گرفته است. شکافهای کاخ استبداد عمیقتر و گسترده‌تر از هر زمان شده است، ارکان و ارگانهای مختلف اصلی حاکمیت به شاخ و شانه کشیدن علیه همدیگر مشغولند. موج مقاومت عمومی دیوار استبداد را به کوبیدن گرفته است.

اکنون باید با آگاهی و هشیاری تمام حساسیتهای این دوره را دریافت، باید تلاشها را هرچه بیشتر حول کمک به سازماندهی جنبشهای بالقوه انقلابی در جامعه بکار گرفت و پشتیبانی همگانی را در جهت یاری رساندن به امر سازماندهی کارگران و زحمتکشان و مبارزات روزمره آنان بسیج نمود. تنها با صفوف فشرده و هماهنگی همه نیروهای مبارز، مترقی و انقلابی میتوان جامعه را شر حاکمیت شریر و مستبد جمهوری اسلامی رهایی بخشید. قطعاً از پی امروز جمهوری اسلامی فردایی خواهد بود، باید از هم اکنون این فردا را دریافت و برای ساختن هرچه بهتر، استوار و نیک بختانه‌تر آن مصممانه و آگاهانه گام برداشت.

**ناصر امین نژاد**

۱۵.۱۰.۲۰۰۶